علت اقتدای امام به مفتی اهل سنت کویتی چه بود؟

هنگام حرکت به سمت کویت نزدیکی های ظهر بود کهامامو همراهانشان به مسجدی به نام جوفیره رسیدند و امام قصد کردند که نماز را همان جا به جا بیاورند. خود را برای نماز محیا کردند و همراهان هم قصد داشتند که به ایشان اقامه کنند که دیدند امام وارد مسجد شده و در صف نماز ایستاده و به امام جماعت حاضر که مفتی ای از اهالی تسنن آن دیار بود و اتفاقا خیلی هم فرد شناخته شده ای نبود، اقامه کردند.

در میان همراهان امام، ولوله ای به پا شده بود و همه با هم پچ پچ می کردند که آخر کسی او را نمی شناسد و مرجع تقلید شیعیان جهان دارد به او اقتدا می کند.

نماز که به پایان رسید، مفتی که متوجه وجود امام و اقتدایشان شد، از شدت ناراحتی و تعجب سر خود را به ستون مسجد کوباند و با ناراحتی و سر و صدایی که راه انداخته بود می گفت: نمازتان باطل است، نمازتان باطل است.

امام نگاهی به او انداخته و گفتند: مگر تو مرجع تقلیدی که فتوا می دهی؟!

مفتی گریه کنان به امام گفت: من بارها نوبت گرفتم که به زیارتتان بیایم اما نشد و حالا شما... من این نماز را قبول ندارم.

فردای آن روز امام برای اینکه از امام جماعت مسجد دلجویی کرده باشند، به مسجد رفته و از او خواستند که امروز نماز را اقامه کنند و پیشنماز هم با خوشحالی فراوان پذیرفت و چند تن از دوستانش را نیز صدا کرد تا به صف جماعت بپیوندند و خود نیز به امام اقتدا کرد و پس از آن با امام عکسی یادگاری انداختند.

برگرفته از خاطره ای نقل شده در ویژه نامه حضور، خرداد 88 به نقل از سید فرهاد لسانی، فیلمبردار اختصاصی امام (س) در عراق و سفر به پاریس.